

۱۶۰۷۲۵۸

بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَجَعَلْتُكُمْ مَسْجُودًا

بالاخره تو عاشقم می شی

سادنیک پم



انتشارات نظری

سرشناسه	چم، سادینک
عنوان و نام پدیدآور	بالاخره تو عاشقم می شی / نویسنده و سادینک چم-ویراستار رایموند میثاقیان
مشخصات نشر	تهران: انتشارات نظری، ۱۳۹۷
مشخصات ظاهری	۲۳۷ ص
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۲۸۹-۹۶۷-۵
وضعیت فهرست‌نویسی	فیا
موضوع	فیلمنامه‌های فارسی
موضوع	Motion picture plays, Persian
رده بندی کنگره	۱۳۹۷ PN ۱۹۹۷/۲/۲
رده بندی دیویی	۷۹۱/۴۳۷۳
شماره کتابشناسی ملی	۵۲۳۹۲۱۴

نام کتاب: بالاخره تو عاشقم می شی

نویسنده: سادینک چم

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۷

شمارگان: ۵۰۰

« کلیه حقوق مادی، چاپ و نشر مخصوص و محفوظات ناشر می باشد »

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولی عصر (عج)، خیابان سپهر، خیابان الدین

اسدآبادی (یوسف آباد)، نبش خیابان فتحی شقاقی، جنب بانک انبار

پلاک ۳۲، طبقه ۲، واحد ۱۷

E-mail: nazaribook@yahoo.com

www.nashrenazari.com

تلفن: ۸۸۱۰۲۷۷۵

همراه: ۰۹۱۹۰۱۲۹۴۵۵



انتشارات نظری

قیمت: ۲۶۰۰۰۰ ریال

قسم به عشق و قلم

صورت زیبای طاهر بیچ نیست

ای برادر سیرت زیبا یار

«سعدی»

«پیشگفتار»

زیستن در غربت آن هم در سال‌های نخست زندگی، انسان را در شرایط عاطفی و احساسی خاصی قرار می‌دهد که او را از بسیاری جهات آسیب‌پذیر، زود رنج و غمگین می‌گرداند و چه بسیار جوانان که وقتی از خانه جدا شده و در تنهایی به سر می‌برند، دچار غمی می‌شوند که غم غربت خوانده می‌شود؛ برخی به مواد مخدر روی می‌آورند و برخی دچار افسردگی شده و رفتارهای نامتعارف و غیرعادی در پیش می‌گیرند که آنان را منزوی، بی‌اعتماد نسبت به اطرافیان و پرسوءظن می‌گرداند و برخی دیگر که دارای بنیادهای فکری و ذهنی محکم‌تر و قوی‌تری هستند، برای رهایی از اندوه

جدایی از خانواده در جست‌وجوی پناهگاه عاطفی به ریسمان قدرتمند و آرام‌بخش عشق می‌آویزند و این ریسمان جبل‌المتینی است که آنان را از بسیاری از عوارض و مشکلات اجتماعی، فرهنگی، روحی و روانی نجات می‌بخشد.

و شراره، قهرمان قصه ما، این طریق آخرین را برمی‌گزیند، یعنی عاشق می‌شود، عشقی سوزان و دلنشین از نوع شرقی آن، آن گونه که ویس، رامین را؛ لیلی، مجنون را و فرهاد، شیرین را دوست می‌داشت.

شراره دختری نابخرد نیست که دل شرقی خویش را به هر جوان چشم‌آبی در طلایی ببخشد، شراره در پیشگاه پدر درس معرفت و عرفان عملی آموخته، پدر که به نوعی عارف و اهل طریقت و سیر و سلوک است به کوچک‌ترین دختری خود که دردانه و به اصطلاح خودش ته‌تغاری است، زیباترین درس‌ها را آموخته. از آموزه‌های پدر است که نجابت، خویشتنداری و پرهیز از گناه شرط خدمت برقرار است و به همین روی است که وقتی در خوابگاه دانشجویان و روان می‌کند، پسرها می‌کوشند به او دست یابند اما همه ناموفق پای پس می‌کشند و می‌دانند که او در در استواری به نام اخلاق ایرانی نشسته است.

شراره با اندوه به روابط غریزی و افسارگریزی پسرها و دخترها می‌نگرد، بی آن که بکوشد کسی را آموزش دهد و اندکی گریه، نصیحتی کند، خود الگوی اخلاق می‌شود و همه دختران و پسران که در خوابگاه در مجاورت اتاق او سکونت دارند، آرام آرام درمی‌یابند که شراره از جنس و از گونه دیگری است، از جنس رایحه همان شمیمی که پدرش از تن او می‌بویید: گل سرخ محمدی.

شراره سرانجام عاشق می‌شود و دل می‌بازد، اما نه به شیوه دیگر دختران؛ به شیوه‌یی که آن شاعر رند ایرانی گفته است:

من نیتم چون دیگران بازیچه بازیگران
اول به دست آرم تو را و آنکه کز قارت شوم

و شراره، خوش‌سیماترین و جذاب‌ترین پسر خوابگاه را که دستیابی به دختران را بی‌مسلم خود می‌دانند، پس از ده‌ها بار تلاش از خود می‌رانند و آن‌گاه نه پسر (ما تن) به راستی عاشق و واله و شیدای او می‌شود، به او آری می‌گوید، به عشق او پاسخ می‌دهد اما به شرط ازدواج، و این آغاز رنج‌های هردوی آنان است.

تا باد چنین بادا

سازد نیک چم